



پس از 10 هفته و پخش 10 قسمت جذاب و پرهیجان، در نهایت به پایان فصل دوم وست ورلد رسیدیم. در این 20 قسمتی که از سریال گذشت، وست ورلد توانست امتیاز 8.9 را توسط کاربران سایت IMDB کسب کند و در لیست سریال‌های تلویزیونی تنها چند مورد را بالاتر از خود می‌بینید.

فصل دوم - قسمت دهم	مسافران	انتشار: 3 تیر (June 24)
<a href="#">خلاصه فصل اول و معرفی شخصیت‌ها</a>	<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت اول</a>	
<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت دوم</a>	<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت سوم</a>	
<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت چهارم</a>	<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت پنجم</a>	
<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت ششم</a>	<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت هفتم</a>	
<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت هشتم</a>	<a href="#">نقد فصل دوم - قسمت نهم</a>	

تمام اتفاقات نشان داده شده در فصل دوم (بجز فلش‌بک‌ها) تنها در 11 روز انجام گرفت. یعنی از زمان انقلاب میزبان‌ها تا زمانی که مسافران به سرزمین جدید پا گذاشتند، فاصله‌ای 11 روزه وجود داشت و نویسندگان خلاق سریال، آنقدر ایده داشتند که توانستند 10 اپیزود را در این بازه کوتاه جا دهند. در سریال‌هایی که داستان در چند جبهه در جریان است و تعداد کارکترها زیاد است، معمولاً جایی فرا می‌رسد که داستان همه به یکدیگر وصل می‌شود و یک گردهمایی تشکیل می‌شود. در شروع قسمت دهم، داستان خیلی زود سراغ شخصیت‌های اصلی رفت و یک به یک آنها را بهم پیوند داد. به قول ویلیام سیاه‌پوش، سرنوشت همواره او را به دلورس می‌رساند. باز هم این گفته درست از آب درآمد. با این تفاوت که در حال حاضر دلورس بهتر از گذشته ویلیام را می‌شناسد. ویلیام نتوانست به دلورس صدمه بزند و راه او همراه با برنارد ادامه پیدا می‌کند.

از طرف دیگر شارلوت و نیروهای امنیتی به کمک یک نیروی شیطانی، به دنبال شکار میزبان‌ها هستند. راستش را بخواهید حرکت کردن کلمنتاین پیش‌تر از تیم امنیتی مرا یاد ارباب حلقه‌ها انداخت؛ زمانی که ارکها، موجودات غول‌پیکر و ترسناک را در جلوی سپاه قرار می‌دانند و به دنبال آنها روانه میدان می‌شوند. با اینکه تعداد کثیری از میزبان‌ها به جان هم افتادند و یکدیگر را از پای درآوردند اما در نهایت عده‌ای توانستند پا به دنیای مجازی جدید بگذارند، جایی که آن را بهشت نامیدند. در اواسط فصل دوم سریال، گفته شد که 1/3 میزبان‌های غرق شده در آب، اصلاً داده‌ای در مغزشان ندارند. این تعداد، همان میزبان‌هایی هستند که توانستند به همراه اکیچیتا از درب عبور کنند.



سفر کوتاه برنارد و دلورس در فورج، پرده از خیلی ابهامات برداشت. اطلاعات 4 میلیون انسانی که وارد پارک شده‌اند، همه و همه ذخیره شده است. هر انسان چیزی حدود 10 هزار خط کد دارد که در یک کتاب به اسم خودش نوشته شده است. جالب اینجاست که انسان‌ها از روی همین کدها و الگوریتم‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند و کار غیرقابل انتظاری انجام نمی‌دهند. در واقع میزبان‌ها می‌توانند تغییر کنند اما انسان‌ها خیر و این برعکس چیزی است که تا به حال فکر می‌کردیم. همه این‌ها از زبان لوگان گفته می‌شود اما نه لوگان واقعی؛ او در اینجا یک انسان مجازی است که از خاطرات جیمز دلوس بوجود آمده است. او وظیفه ساخت کلون‌های مهمان‌ها را برعهده دارد و جیمز دلوس اولین نفر بوده است که شروع به ساختش کرده‌اند. زمانی که دلورس در قفسه کتاب‌ها جستجو می‌کند، نام افرادی از جمله شارلوت هیل و کارل استراند را می‌بینیم که در سریال حضور داشته‌اند. همچنین نام‌های دیگری مانند گریس لی، اندرو گارسیا و... وجود دارند که احتمال دارد در فصل‌های آتی شاهد حضور آنها باشیم.



لوگان می‌گوید که زمان باز کردن درب فرا رسیده و این دنیا، بهشت کسانی است که نمی‌خواهند وارد دنیای واقعی شوند. دلورس اما این شرایط را مخالف آزادی میزبان‌ها می‌بیند و سعی دارد این بهشت را نابود کند تا میزبان‌ها

دوباره وارد یک دنیای مجازی نشوند. در این قسمت از سریال کار غیرمنتظره‌ای انجام می‌شود. برنارد برای اولین بار به خواسته خودش، شخصی را از بین می‌برد و آن کسی نیست جز دلورس. هر چند که در نهایت نمی‌تواند مانع از غرق شدن آن منطقه در آب شود. برنارد همیشه از کارهایی که انجام می‌داده اطمینان داشته است. اما این بار پس از کشته شدن السی توسط شارلوت، پشیمانی وجودش را فرا می‌گیرد و به فکر بازگردانی دلورس می‌افتد. خوشبختانه برنارد گوی ذهنی دلورس را به همراه آورده و با یک نقشه متفکرانه، دلورس را در کالیدی شبیه به شارلوت بارگذاری می‌کند.

پس از همه این‌ها، نقش بازی کردن برنارد آغاز می‌شود. برنارد در کنار دریا دراز می‌کشد تا او را پیدا کنند. وقتی به 9 قسمت گذشته نگاه می‌کنیم، شارلوتی را می‌بینیم که در بسیاری از سکانس‌ها همان دلورس بوده است و ما هیچ چیز را غیرعادی ندیدیم. دلورس جدید (شارلوت) و برنارد قصد دسترسی به تجهیزات دلورس را داشتند تا بتوانند اطلاعات را به خارج پارک بفرستند و این کار با فریب دادن افراد دلورس صورت گرفت. آنها مجوز دسترسی را پیدا کرد اما به جای ارسال اطلاعات مهمان‌ها، اطلاعات میزبان‌های موجود در بهشت را آپلود کردند تا بدین ترتیب نسل روبات‌ها زنده بماند.



## نقدی کلی بر فصل دوم سریال وست ورلد

اولین ویژگی بارزی که در وست ورلد متوجه آن شدیم پیچیده بودن داستان و سفرهای بی‌شمار بین خطوط زمانی مختلف است. فصل اول پیچیدگی بیشتری نسبت به فصل دوم داشت؛ به طوری که گاهی زیبایی سریال در پشت این پیچیدگی قرار می‌گرفت و مخاطب آن را درک نمی‌کرد. در فصل دوم تغییراتی صورت گرفت. رمز و راز و نشانه همچنان وجود داشت اما شکل بیان آن تغییر یافت. بسیاری از اتفاقات، نه در اپیزود آخر، بلکه در طول فصل ابهام‌زدایی شدند. حتی برخی ابهامات در یک اپیزود آغاز و در انتهای همان اپیزود روشن شد (مانند معمای اسفینکس که آخر و عاقبت جیمز دلورس را نشان داد).

تنوع مورد دیگری بود که در فصل دوم از قلم نیفتاد. سازندگان سریال در شغل خود بهترین‌های دنیا هستند. آنها می‌دانستند که ادامه دادن 10 قسمت دیگر همانند فصل اول کسل‌کننده خواهد بود. بنابراین یک قسمت کامل را در شوگان ورلد با جنگ‌های شمشیری گذراندند؛ یک قسمت را به زندگی اکیچیتا اختصاص دادند که بعد درام و عاشقانه آن بیشتر به چشم می‌آمد؛ توجهات را به چرخه بازگردانی جیمز دلورس معطوف کردند و... .



در فصل نخست، ایوان ریچل وود (در نقش دلورس) نقش کم‌رنگ‌تری داشت. اگر چه زمان زیادی در سریال حضور داشت اما منظور این است که یک کارکتر مستقل و شخص اول یک بخش از داستان، محسوب نمی‌شد. چشم‌های همه به آنتونی هاپکینز (رابرت فورد)، جفری رایت (برنارد) و دو ویلیام بود که سرنوشت داستان را تعیین کنند. اما دلورس در فصل دوم رهبر یک گروه، کارکتری سرنوشت‌ساز در سریال و تکیه‌گاه وست ورلد بود. متأسفانه ایوان ریچل وود نتوانست آنچنان که باید جذابیت ایجاد کند و شخصیتی گیرا همانند هاپکینز فصل اول داشته باشد. واقعیت این است ریچل وود نتوانست ستاره باشد و بازیگران همسطح با او یعنی تندی نیوتون (میو)، تسا تامپسون (شارلوت)، جفری رایت (برنارد) و اد هریس (ویلیام سیاه‌پوش) موفق‌تر ظاهر شدند. با اتفاقات فصل دوم، کارکتر دلورس از سریال حذف شد. آنها می‌توانند در فصل سوم کمتر از این فصل ریچل وود را به کار گیرند و نقش کمتری به او واگذار کنند.

تقریباً تمام شخصیت‌های وست ورلد از بین رفتند و سریال ریست شد. دست سازندگان برای انتخاب افراد فصل سوم باز است. تنها برنارد است که حضور پررنگ او در فصل سوم از همین حالا مشخص است. با این خانه تکانی انتظار می‌رود در آینده تغییرات زیادی صورت گیرد. البته حذف کارکترهایی که زمان زیادی در سریال حضور دارند از محبوبیت سریال کم می‌کند. بنابراین راه را برای بازگشت هر کدام باز گذاشته‌اند؛ تدی و اکیچیتا در دنیای جدید، زنده هستند؛ فلیکس و سیلوستر مسئول بازیابی میزبان‌ها هستند و می‌توانند میو و دوستانش را برگردانند؛ زندگی دلورس‌گونه و تکراری ویلیام در زمان آینده اتفاق می‌افتد و معلوم نیست در حال حاضر ویلیام چه شرایطی دارد؛ و از همه مهم‌تر، شارلوت (دلورس) پنج گوی به همراه دارد و با آنها می‌تواند پنج کارکتر مهم را بازگرداند (که یکی از آنها همان برنارد بود).



فصل سوم وست ورلد با انقلابی جدید از خانه آرنولد آغاز خواهد شد. انتظار داریم که این فصل، دیگر وارد دنیای واقعی شود و جایی که برای ما هم ناشناخته است را به تصویر بکشد. انتظار فصلی پرهیجان، حتی پرهیجان‌تر از دو فصل اول را داریم. یکی از بحث‌های مهمی که همواره وجود دارد این است که آیا «وست ورلد» جای «بازی تاج و تخت» را پر می‌کند یا نه؟ مجموعه‌ای که بسیاری، عنوان بهترین سریال تاریخ را به آن اختصاص داده‌اند، آخرین فصلش در آینده‌ای نزدیک به نمایش درمی‌آید و بعد از آن، چشم امید همه به شبکه HBO و وست ورلد است. پیش‌بینی در مورد آینده سخت است اما دلایلی وجود دارند که امید به وست ورلد را بیشتر می‌کند: 1. وست ورلد یک زمینه داستانی قوی دارد. جاناتان نولان و لیسای جوی، طوری همه چیز را کنار یکدیگر چیده‌اند که می‌توان از دل آن چند فصل پرهیجان و حساب شده بیرون کشید. 2. خود شبکه HBO اعلام کرده است که وست ورلد جایگزین شایسته‌ای خواهد بود و بنظر می‌رسد که از همه لحاظ (از بودجه گرفته تا تبلیغات) از این مجموعه حمایت کند. 3. وست ورلد بعد از دو فصل مخاطبین زیادی جذب کرده است. پس از هر قسمت نظریه‌های بسیاری مطرح می‌شود و بازیگران این مجموعه برخی از آنها را می‌خوانند و پاسخ می‌دهند؛ وبسایت‌های مختلفی توسط خود سازندگان برای سرگرمی بیشتر ایجاد شده است و غیره. 4. شاید در حال حاضر به راحتی بتوان گفت که بازی تاج و تخت بهترین سریال تاریخ است اما اگر به سال 2012 برگردیم، زمانی که فصل دوم آن به تمام رسید، هنوز کسی در مورد آینده این سریال چیزی نمی‌دانست. همه با شک و تردید سخن می‌گفتند و اوضاع آن زمان بازی تاج و تخت همانند اوضاع فعلی وست ورلد است. پس وست ورلد پتانسیل تبدیل شدن به بهترین‌های تاریخ دارد به شرطی که روند رو به رشد خود را حفظ کند و شبکه HBO بتواند آن را مدیریت کند.

نقد و بررسی ما هم پس از 10 هفته به پایان رسید. نقدها و پیشنهادات شما قطعاً در کیفیت مطالب ما تأثیرگذار خواهد بود. امیدواریم در آینده بتوانیم مجدداً در این حوزه فعالیت کنیم.

ارادتمند شما فرشاد رضایی



تاریخ انتشار:

07 تیر 1397

نشانی منبع:

<https://www.shabakeh-mag.com/entertainment/13365/%D9%86%D9%82%D8%AF-%D9%88-%D8%A8%D8%B1%D8%B1%D8%B3%DB%8C-%D9%82%D8%B3%D9%85%D8%AA-%D8%AF%D9%87%D9%85-%D8%A7%D8%B2-%D9%81%D8%B5%D9%84-%D8%AF%D9%88%D9%85-%D8%B3%D8%B1%DB%8C%D8%A7%D9%84-westworld>